



استعفا از

رهبری دنیای جنوب

سید کاظم رجایی

همه جانبه اقتصاد مقاومتی میسر نخواهد بود. امید است که مراقبت شود این مقصود با جدیت تمام دنبال شود و بخصوص به تقویت تولید ملی توجه ویژه صورت گیرد و نیز مراقبت فرمایید که وضعیت پس از برداشته شدن تحریمها به واردات بی رویه نینجامد و بخصوص از

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»
مقام معظم رهبری فرموده اند: «رفع تحریمها هر چند از باب رفع ظلم و احقاق حقوق ملت ایران کار لازمی است لیکن گشایش اقتصادی و بهبود معیشت و رفع معضلات کنونی جز با جدی گرفتن و پیگیری



وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از آمریکا پرهیز شود.»

به هر حال این مساله مطرح است که ما در جنگ اقتصادی که به ویژه از ۹۰ به این طرف هم تکرار شده، باید چه کار کنیم؟ تجربه تاریخی در مقابله با حصر اقتصادی چه می گوید؟ نبی مکرم اسلام در شعب ابی طالب در مدینه با تحمیل آن همه جنگ، جنگ‌های نظامی و حصرهای اقتصادی چه کار کرد؟ چه راهبردهایی بروی برون‌رفت از مشکل، ارائه شده و امام و مقام معظم رهبری چه راه‌حل‌هایی را پیشنهاد دادند؟ برای درک و فهم اقتصاد مقاومتی و پاسخ به این سؤال که دولت چه کار می‌کند، این نگاه بدی نیست که ببینیم چند دیدگاه مقابل این بحث‌های اقتصادی و حصر اقتصادی وجود دارد:

دیدگاه اول، دیدگاه تعامل و گفت‌وگو و نقش‌آفرینی در دهکده جهانی است. این دیدگاه از ابتدای انقلاب تا حالا مطرح بوده، گاهی کنش‌وقوس و قوت و ضعف داشته، همیشه هم مقابل دیدگاه امام و رهبری قرار داشته و طرفداران کمی هم نداشته است.

دیدگاه دوم، دیدگاه اقتصاد مقاومتی است؛ که این از باب تعریف به ضد می‌تواند همدیگر را هم‌افزایی کند و محورهای اصلی و موتور محرک هر کدام می‌تواند با این تقابل دو دیدگاه دربیاید.

دیدگاه اول، اساس بحث این است که اگر بخواهیم امروزه وارد عرصه شویم و در صحنه بین‌المللی بازیگر باشیم، باید تمکین کنیم، در صورت عدم تمکین به اصولی که در نظام بین‌الملل حاکم است، با انزوای بین‌المللی، تحریم و تهاجم اقتصادی قدرت‌های برتر مواجه خواهیم شد. اصل استدلال که حالا یک کمی پررنگ‌تر بیان می‌کنیم این است.

دیدگاه دوم، دیدگاه اقتصاد مقاومتی است. در دیدگاه اول پایه فکری این است که آن قدرت، قدرت برتر است و ما اگر بخواهیم مشکلات اقتصادی خود را حل کنیم باید به قدرت‌های برتر متصل شویم و از آن‌ها کمک بگیریم. معیار و ملاک

این است که نظم جهانی روی چه چیزی تأکید دارد؛ ما این‌ها را عملیاتی کنیم. این عبارت‌ها جالب است. آقای روحانی می‌گوید وقت شعار تمام شد، مواظب حرف‌زدن و رفتارهایمان باشیم. حالا این‌ها را دوستانی که در مسائل سیاسی بیشتر وارد هستند، مسلط‌ترند. اولویت‌های امنیت ملی ماهیت فراملیتی پیدا می‌کند. عین این عبارت‌ها گفته شده. الان ما سایه جنگ را با این مذاکره و گفت‌وگو و تعامل کم کرده‌ایم. این همان عبارت است؛ اولویت‌های امنیت ملی ماهیت فراملیتی پیدا می‌کند. اگر امنیت کشور را بخواهیم، باید نگاه ما به بیرون باشد، با آن‌ها

تعامل کنیم ببینیم و با معیارهایشان هماهنگ باشیم. اگر هماهنگ شدیم امنیت داخلی برقرار است؛ و اگر هماهنگ نشدیم امنیت داخلی ما به خطر می‌افتد! این تعبیرها را امروز به روز کردند و خیلی قشنگ دارند تبیین می‌کنند. استعفا از نقش رهبری دنیای جنوب را عملاً داریم در سیاست خارجی منفعل خود می‌بینیم که راحت برخورد می‌کنند. این‌ها معیارهای این است که نظم جهانی روی چه چیزی تأکید دارد. یکی از تأکیدات او حساسیت روی این است؛ لذا وزارت خارجه عملاً نشان دهد که ایران قصد براندازی نظم و نظام موجود را ندارد. استعفا از نقش رهبری دنیای جنوب برای مبارزه با شمال، به جای آن اعلان استراتژی گفت‌وگو برای همکاری، تعامل و گفت‌وگو در تمدن مشترک جهانی و همزیستی فرهنگی. این یک راهبرد است. این راهبرد دارد عملیاتی می‌شود.

قبلاً در جریان بودید که این‌ها گفتند ما بیابیم هزینه‌های نظامی را به یک پنجم کاهش دهیم! توپ و تانک می‌خواهیم چه کار کنیم؟! هر قدر هم موشک بسازیم قدرت تقابل با آمریکا را نخواهیم داشت؛ به رسمیت شناختن اسرائیل هم که آمریکا مصمم است. شعار دوستان این بود که مسائل تلطیف کننده را با تکذیب بحث هولوکاست شروع کردند. هر جا فرصت پیدا کنند این را مطرح می‌کنند که آمریکا به آینده اسرائیل حساس است؛ لذا ما باید همه حرفی را نزنیم و همه کاری را نکنیم!

آخرین راهبرد که شاید اساسی‌ترین راهبرد هم باشد، تغییر وضع موجود و پذیرش نظم جهانی یا عصاره مجموعه است. ما قبل از انقلاب نقش‌هایی داشتیم که این نقش‌ها از ما گرفته شد. بازیگری پایگاه فنی و اقتصادی ایران را به ترکیه دادند، تجاری ترانزیستی را به امارات متحده عربی دادند، پیشسازی مسائل دینی را به عربستان دادند، منزلت نظامی را به پاکستان و ... ما باید طرفدار تغییر وضع موجود خود در قالب حفظ وضع موجود بین الملل باشیم تا در دهکده جهانی به ما اجازه ایفای نقش بدهند.

این تفکر، درست در نقطه مقابل تفکر و دیدگاه اقتصاد مقاومتی قرار دارد. یعنی شما این را کاملاً وارونه کن؛ بخصوص موتور محرکه‌اش را که آمریکا قدرت برتر است و باید او اجازه دهد! اما اقتصاد مقاومتی برگرفته از مکتب اقتصادی اسلام و سنت و فرهنگ اسلامی است. ما این‌جا به عکس نقطه مقابل داریم که بالاخره همه‌جا توجه به خدا است؛ در تولید، در توزیع، در مصرف، عجیب است در مطالعاتی که ما طی این چندین ساله داشته‌ایم، بخصوص در مطالعات قرآنی و روایی، محوری‌ترین راهبرد را راهبرد

می‌گویند در این دهکده، کدخداست که باید به ما نقش دهد و ما قبل از انقلاب نقش‌هایی داشتیم که از ما گرفته شد. بازیگری پایگاه فنی و اقتصادی ایران را به ترکیه دادند، تجاری ترانزیستی را به امارات متحده عربی دادند، پیشسازی مسائل دینی را به عربستان دادند، منزلت نظامی را به پاکستان و ... ما باید طرفدار تغییر وضع موجود خود در قالب حفظ وضع موجود بین الملل باشیم تا در دهکده جهانی به ما اجازه ایفای نقش بدهند.



اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مساله تورم حل خواهد شد و اقتصاد مقاومتی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. این جاست که دشمن با مشاهده این وضعیت ناامید خواهد شد. وقتی دشمن ناامید شود، توطئه و کید او هم تمام خواهد شد.

باز هم یک مساله اقتصادی عمیق به عنوان اساسی‌ترین مساله مطرح می‌شد. این‌ها مسائلی است که بخشی از آن را من لایه‌لای بحثم توضیح دادم. راهبردها هم بر اساس همان‌ها به دست می‌آید که دیگر در دل آن ویژگی‌ها و راهبردها هم به نحوی بود. اساسی‌ترین راهبرد برای پیشرفت اقتصادی، راهبرد مبتنی بر تربیت توحیدی و اصلاح دید و نگرش جامعه است؛ یعنی باید روی فرهنگ مردم کار کنیم.

عمده اقتصاد ما دولتی است و دولت به دلیل درآمدهای هنگفت نفتی، بزرگ شده و در همه‌جا از جمله اقتصاد، دخالت‌های زیاد می‌کند. در این میان، مردمی‌سازی خیلی مهم است؛ اما متأسفانه به نام مردمی‌سازی کارهای زیادی انجام می‌شود. این مردمی‌سازی دوگونه است. یک وقت لازم می‌شود به شکل ضربتی برگرفته از همان الگوی بسیج انجام شود. به عبارتی حرکت جدی و جهادی ایجاد کنیم. این حرکت الان به نحوی شروع شده است؛ سپاه و بسیج و افراد دلسوز دیگر در گوشه و کنار کشور کارهایی را انجام می‌دهند؛ در اطراف شوش دانیال آقای عظیمی هکتارها زمین گرفتند، همین‌طوری شخصی یک مجموعه را حرکت دادند و یکسری کارهایی را برای اقتصاد مقاومتی شروع کردند. سازمان بسیج و آقای نقدی کارهای متعددی انجام دادند که بعضی از کارهای آن‌ها بسیار قشنگ و خوب است. این‌جا باید پرتلاش‌تر وارد عرصه شویم ولی متأسفانه ضعیف عمل می‌کنیم و آن‌طور که باید و شاید وارد عرصه نشده‌ایم.

یک ستادی که بتواند این مجموعه را در حوزه هدایت و تغذیه فکری کند و محض در این مساله باشد، جایش خالی است. به هر حال زمینه‌ها برای کار فراهم است، یک عده‌ای هم حرکت را شروع کرده‌اند. اگر ما دانش را در عرصه تولید ببریم، این‌ها با هم هم‌افزایی می‌کنند؛ یعنی دانش، دانش واقعی می‌شود. این‌جا تئوریک کار می‌کنیم، عمل به‌نوعی دیگر دارد کار می‌کند. اگر این دو با هم چفت شود هم‌افزایی خواهند داشت؛ یعنی به همدیگر کمک می‌کنند.

تقویت و تعمیق ایمان و ارتقای تقوا دیدیم. یعنی در اقتصاد اسلامی این را به عنوان اساسی‌ترین راهبرد برای پیشرفت اقتصادی دیدیم. به عبارتی، در کتاب و سنت هیچ راهبردی اساسی‌تر برای رشد و پیشرفت اقتصادی ارائه نشده است

«وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»
«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۲

«وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۳

«وَلَوْ أَن أَهْلَ التَّوْرَاتِ وَالْإِنجِيلِ وَمَا أَنزَلْنَا إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَتحت ارجلهم»^۴
«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أَنزَلْنَا إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»^۴
«وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ»^۵

توان بر توان شما می‌افزاید؛ یعنی همه‌جا محوری‌ترین مساله.
«فَلْيَنْظُرِ الْإِنسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَا صَبَّأْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعَبْنَا وَقَضَبًّا وَرَزَقْنَاهَا وَنَخْلًا وَوَخْدَانًا وَعَلْبًا وَقَاكِهَةً وَأَبًّا وَأُمَّتًا لَّكُمُ وَالْآلَاءُ كَثِيرَةٌ»^۶

دیدگاه مقابل، صددرصد مقابل این است. آن‌جا می‌گوید ما بدون اتکا به قدرت‌های جهانی، امکان رفع فقر را نداریم؛ یعنی درست نقطه مقابل دیدگاه اقتصاد مقاومتی است. اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مساله تورم حل خواهد شد و اقتصاد مقاومتی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. این جاست که دشمن با مشاهده این وضعیت ناامید خواهد شد. وقتی دشمن ناامید شود، توطئه و کید او هم تمام خواهد شد. ایشان (رهبر معظم انقلاب) می‌فرماید اتکاء به داخل و تولید داخلی. آن‌وقت کید دشمن هم تمام می‌شود. ایشان از سال ۸۷ به این طرف بر راهبردهای اقتصاد مقاومتی متمرکز شدند و هر سال مانور دادند و ارائه کردند و زمینه‌ها را فراهم آوردند تا بیایند آن نتیجه را به عنوان اقتصاد مقاومتی بچینند و ارائه کنند. سال ۸۷ نوآوری و شکوفایی؛ سال ۸۸ اصلاح الگوی مصرف؛ سال ۸۹ همت مضاعف و کار مضاعف. همه این نامگذاری‌ها می‌تواند راهبردهای اقتصاد مقاومتی هم باشد. سال ۹۰ جهاد اقتصادی؛ سال ۹۱ حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی؛ و بالاخره سال ۹۲ را حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نامیدند، که اگر ۹۳ هم این مساله برجام نبود، شاید

پی‌نوشت‌ها:

۱. احقاف، ۱۳

۲. اعراف، ۹۶

۳. طلاق، ۳ و ۲

۴. مائده، ۶۶

۵. هود، ۵۲

۶. عبس، ۲۴ تا ۳۲